

بررسی و مقایسه عناصر عرفانی دو منظومه عاشورایی  
(آتشکده نیر تبریزی و گنجینه‌الاسرار عمّان سامانی)

دکتر برات محمدی<sup>۱</sup>

علی‌رضا قربان‌پور<sup>۲</sup>

چکیده

دو منظومه عرفانی-عاشورایی، آتشکده نیر تبریزی و گنجینه‌الاسرار عمّان سامانی دو شاهکار ادبی هستند که سراینده‌شان با نگرشی عرفانی که بخش اعظمی از ادب و شعر فارسی را در بر گرفته؛ به شرح واقعه عاشورا که خود دریایی از معارف دینی شیعیان را دربر می‌گیرد؛ پرداخته‌اند. بهترین و بالاترین جایگاه ارائه و بالیدن عرفان و نماد و نمود عشق واقعی عاشق به معشوق، ماجرای کربلا و داستان یگانه عاشورا است که در این دو اثر فاخر به زیبایی با درآمیختن عشق با حماسه به تصویر کشیده شده است. پس بررسی و تبیین عناصر عرفانی به کار گرفته شده در این دو اثر فاخر حوزه ادبیات عاشورایی و تشریح و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان جهت غنا بخشیدن به آموزه‌های عرفانی ناب اسلامی شعر و ادب فارسی و فرهنگ عاشورایی از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف اصلی این مقاله بررسی و مقایسه عناصر عرفانی در دو منظومه عاشورایی گنجینه‌الاسرار عمّان سامانی و آتشکده نیر تبریزی است و در ادامه فراوانی مؤلفه‌های عرفانی دو منظومه مورد مطالعه را به دست آورده و در پایان به تحلیل اطلاعات با روش تحلیل محتوا پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** عناصر عرفانی، شعر عاشورایی، گنجینه‌الاسرار، آتشکده نیر تبریزی

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

barat\_mohammadi@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

barat\_mohammadi@yahoo.com

آذربایجان غربی

تاریخ پذیرش

تاریخ دریافت

۹۳/۸/۲۸

۹۲/۱۱/۲۶

## مقدمه

شعر عاشورایی؛ به شعری گفته می شود: «که پیرامون قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، اخبار مبتنی بر شهادت ایشان و یارانش، توصیف شخصیت های عاشورا، توصیف صحنه های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز از پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن می گوید». (کافی، ۱۳۸۸: ۳۵) سیر شعر عاشورایی به عنوان بخش مهمی از ادبیات تعلیمی و غنایی زبان فارسی است که در طول تاریخ این سرزمین از دل ادب فارسی برخاسته و شاعران شیرین سخن را از خود متأثر نموده و به شکل سبک ها، اسلوب ها و قالب های متنوع شعری ظهور کرده است.

ذوق سرشار و ذهن خلاق سرایندگان فارسی زبان از یک سو و تأثیر پذیری از عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی از دیگر سوی؛ سبب شده تا شعر عاشورایی فارسی با فراز و نشیب های متفاوتی مواجه شود. در طول تاریخ، عرفان و تصوف بیش ترین تأثیرات را در آن از خود به جای گذاشته است. در نتیجه بررسی سیر شعر عاشورایی تا زمان شکل گیری منظومه های مستقل عرفانی - عاشورایی و مقایسه آن منظومه ها در زمینه های مختلف به ویژه عناصر عرفانی، مسئله ای است که تدبیر و تدقیق صاحبان پژوهش را فرا می خواند.

در این تحقیق ضمن بررسی مختصری از سیر شعر عاشورایی و تبیین نحوه شکل گیری ویژه منظومه های مستقل عرفانی - عاشورایی، به استخراج و مقایسه عناصر عرفانی، (واژه ها و مفاهیم عرفانی) به کار گرفته شده به وسیله نیر تبریزی در منظومه عاشورایی آتشکده و عمّان سامانی در منظومه گنجینه الاسرار پرداخته شده است تا شباهت ها و تفاوت های آن ها مشخص شود و به وسیله این شیوه به فهمی عمیق تر از این آثار فاخر ادب فارسی نایل شد. در خصوص اهمیت و ضرورت این تحقیق باید اذعان نمود که آثار عرفانی ما مملو از عناصر معرفتی پیدا و پنهان است که تأمل در هر کدام از آن ها ما را به درک عمیق تری می رساند. بر اهل تحقیق هم پوشیده نیست که کارهای تطبیقی در این عرصه بسیار اندک است. منظومه های عرفانی عاشورایی آتشکده و گنجینه الاسرار دو شاهکار ادبی هستند که سرایندگان شان با مشرب ذوقی خویش و با نگاهی عرفانی برخی حوادث واقعه عاشورا را واکاوی و توصیف کرده اند.

نکته دیگر این که در عصر ترویج عرفان‌های انحرافی و در روزگار تهدید بحران هویت برای نسل جوان، پرداختن به آثار ارزشمند عرفانی و بررسی و تبیین جلوه‌های پیدا و پنهان این آثار، راهنما و هدایتگر و چراغ راه شاعران جوان و پاسدار هویت ملی و دینی ما خواهد بود. در ضمن فتح بابی است؛ برای کارهای پژوهش کیفی با رویکرد به مدل‌های تطبیقی که از روی تحلیل محتوا به صورت عمیق انجام گردد تا این که از پژوهش‌های صرفاً توضیحی و توصیفی فاصله بگیریم.

#### ۱. واژه کاوی شعر عاشورایی

از شعر عاشورایی تعاریف زیادی شده اما با توجه به تعریفی که در مقدمه بیان شد؛ باید یاد آور شد که تعریف ارائه شده تعریف نسبتاً "جامعی در خصوص شعر عاشورایی است. چون:

تمامی تعاریف اصطلاحات و متغیرهای مرتبط با شعر عاشورایی، از قبیل: ادبیات آیینی، شعر دینی، منقبت خوانی، مرثیه سرایی، مقتل سرایی، نوحه سرایی، منظومه‌های عرفانی - عاشورایی و ... را در بر می‌گیرد.

طبق این تعریف، شعر عاشورایی، شعری است که موضوع اصلی آن عبارت است از، شعری که پیرامون قیام الهی به رهبری حضرت سید الشهداء(ع) است  
موضوع شعر عاشورایی در این تعریف مشخص است؛ به تعبیر غلامرضا کافی یک قیام الهی محسوب می‌شود.

نکاتی که در خصوص تعریف شعر عاشورایی "کافی" قابل تأمل و شاید هم قابل اصلاح باشد:

اول این که تکرار در این تعریف به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه، این عبارت‌ها تکراری آورده شده است: «شعری که پیرامون قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین(ع)»، «اخبار مبتنی بر شهادت ایشان و یارانشان»، «توصیف شخصیت‌های عاشورا» و «توصیف صحنه‌های جنگ کربلا» که اگر همه این ترکیب‌ها در یک عبارت جامع جای می‌گرفت؛ برای یک تعریف علمی برازنده تر بود.

دوم این که به ابعاد مختلف رثایی، حماسی، عاطفی، عرفانی و قالب‌ها و سبک‌های گوناگون شعری که در هر دوره به شکل نوین ظهور کرده اشاره‌ای نشده است.

لذا تعریف پیشنهاد زیر ارائه می شود:

«شعر عاشورایی، شعری است که به توصیف ابعاد مختلف وقایع و شخصیت های قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و حوادث مرتبط با عاشورا در قبل و بعد از آن در سبک ها و قالب های متفاوت شعری می پردازد».

## ۲. نگرش ادبی - عرفانی به واقعه عاشورا

موضوعی که همپای شکل گیری زبان فارسی دری و شعر فارسی در قرون اولیه بعد از اسلام، شکل گرفت؛ ظهور فرق مختلف در میان مسلمین و ایرانیان بود که دلایل آن این گونه بیان می شود: «در نخستین قرن های دوره اسلامی هنوز مسلمین، خاصه مسلمانان غیر عرب در جست و جوی حقایق دین اسلام و درک و حل معضلات آن و علی الخصوص یافتن معتقدات اسلامی از میان معتقدات قدیم خود بودند و در این میان اختلافات سیاسی و مناقشات مسلمانان در مسائلی از قبیل خلافت و امامت و... بود» (صفا، ج ۱، ۱۳۶۸: ۲۶) شکل گیری شعر و نثر فارسی از یک سو و ظهور این مناقشات در افکار و روش های فکری مسلمان «موجب ایجاد ادبیات پر دامنه دینی مسلمانان در این ایام گردید» (همان: ۲۷)

البته از این موضوع نیز نباید غافل بود که خاستگاه ادبیات و دین به عنوان دو عنصر درونی و روحی در نهاد و جان آدمی است. «دین یک امر فطری است و انسان شاعر لاجرم نمی تواند از آن غافل بماند» (مبشر، ۱۳۸۴: ۱۹۴) در این سال ها، کم کم مذهب تشیع در ایران قوام می یابد و به عنوان یک ذخیره غنی فرهنگی در ادبیات فارسی، کم و بیش تبلور می یابد. «مذهب نیز به عنوان منبع فرهنگی تاریخ بشر، خواه ناخواه، می تواند ماده سازنده مضمون ادبیات را فراهم کند. خلاصه آن که ادب سیاسی، ادب فلسفی، ادب عرفانی و...، واقعیت دارد. ادب مذهبی نیز در طول این زنجیره وجود دارد و باید ادب مذهبی را مجموعه دغدغه ها، رنج ها، شادی ها، مظلومیت ها، حماسه ها و نظایر آن بدانیم» (حداد، ۱۳۸۱: ۲۵۲) عده ای از محققان بر این باورند که «در سال ۳۵۲ در روز عاشورا، معزالدوله به اهل بغداد دستور داد؛ ماتم به پا دارند و نوحه گری کنند، دکان ها را ببندند و در جلو آن ها پلاس بیاویزند؛ طبّاخان را از پختن طعام منع کرده زن ها مویه کنان و موی کنان بیرون آمدند. گویند این نخستین روزی بود که برشهدای کربلا سوگواری شد» (فقیهی، ۱۳۶۶: ۱۳۶۶)

۴۶۷) پس آل بویه اولین حکومت شیعی است که فضای عزاداری و تکریم عاشورا را رقم زده است.

اما در خصوص قرائت عرفانی از عاشورا در شعر فارسی، بدیهی است که «تشویق صریح امامان شیعه در سرودن شعر برای امام حسین(ع) و گریستن و گریاندن بر مصائب او، تأثیر عظیمی بر شکل‌گیری و رشد شعر عاشورایی نهاد» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۱) سوگ سروده‌های عاشورایی در ادوار مختلف شعر فارسی ادامه پیدا کرده تا این که این سیر به سرودن منظومه‌های ویژه عاشورایی در عصر قاجار ختم شد.

واقعه عاشورا به عنوان یک حادثه توحیدی، آن قدر گسترده و تأثیر گذار است که برای آن ابعاد و قرائت‌های مختلفی قایل شده اند و در نتیجه در ذوق ایرانی به صورت شعر فارسی و ادبیات آیینی جلوه‌گری نموده است. «مهم‌ترین این قرائت‌ها عبارتند از:

۱. قرائت اساطیری و اسطوره سازی.

۲. قرائت عاطفی و احساسی.

۳. قرائت عرفانی.

۴. قرائت براندازی و به دست گرفتن حکومت.

۵. قرائت ارزشی و مکتبی». (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸)

گاهی بعضی از این قرائت‌ها به اقتضای زمانه پررنگ شده؛ در نتیجه دیگر ابعاد دیگر مغفول مانده اند که یکی از ابعاد مغفول تا عصر نیر و عثمان بُعد عرفانی عاشورا است. در حالی که «مقدار قابل توجه و شاید بیش از نیمی از سرمایه ادب فارسی را ادبیات عرفانی ما تشکیل می‌دهد که بی‌گمان با زندگی و فرهنگ و دل بستگی توده‌های مردم پیوندی نا-گسستنی دارد و در حقیقت باید آن را "ادبیات مردمی فارسی" نامید». (یاحقی، ج ۱، ۱۳۸۶: ۶)

زاویه کاوی شهید مطهری در این موضوع چنین است: «برداشت امثال دعبل خزاعی از نهضت اباعبدا... به تناسب زمان، فقط جنبه‌های پرخاشگری آن است؛ برداشت محتشم کاشانی جنبه‌های تأثیر آمیز آن است، برداشت عثمان سامانی یا صفی علی شاه از این نهضت برداشت‌های عرفانی، عشق الهی و پاکبازی در راه حق است که اساسی‌ترین جنبه‌های قیام حسین(ع)، جنبه پاکبازی او در راه حق است. همه این برداشت‌ها درست است؛ ولی به

عنوان یکی از این جنبه‌ها [است]». (مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۹۳-۲۹۲) این واقعیت اجتماعی را باید نیز یادآور شد که غفلت از بُعد عرفانی که بیشترین سهم را در پیام‌رسانی نهضت عاشورا به عنوان یک مکتب الهی و آزادی‌بخش، خسارات جبران‌ناپذیری به فرهنگ این مرز و بوم وارد می‌کند. «نگاه و روی کرد پسیکولوژیک و نفسانی به واقعه عاشورا که نتیجه قهری آن ایجاد نوعی امنیت روانی و جنبه عاطفی دارد. اگر مسبوق و مصبوغ به مبانی معرفتی و وجودی نباشد؛ با کوچک‌ترین شبهه‌ای، دچار تزلزل شده و فرو می‌ریزد» (ضیایی، ۱۳۸۹: ۴) پس عرفان و معرفت به عاشورا، یک نیاز حیاتی محسوب می‌شود؛ «اما عشق و عرفان در ساحت عاشورا از آن گاه شروع شد که حضرت زینب(س) در کاخ عبیدالله بن زیاد در پاسخ این سؤال که «کار خدا را با خاندانت چگونه دیدی؟» با آرامشی که در بن‌جانش جای‌گیر گشته بود؛ پاسخ داد: "ما رأیت الا جمیلا!"». (ابن‌اعثم، ج ۳، ۱۳۷۲: ۱۴۷) تنها از منظر عشق و دریافت معرفتی عمیق است که آدمی جز زیبایی نمی‌بیند و زینب(س) به ماجرای عظیم عاشورا عاشقانه می‌نگرد و حتی ذبح برادر و غوطه‌فرزندان در خون را زیبا می‌بیند». (کافی، ۱۳۸۸: ۳۰۷)

البته باید توجه داشت که آن نوع از قرائت عرفانی مورد تأیید است که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی باشد و انسان کامل به عنوان اولین پدیده در نظام هستی که مقام خلیفه الهی را کسب کرده است؛ مدّ نظر قرار گیرد. لذا «این قرائت، ریشه وقایع کربلا و عاشورا را در روز الست جست‌وجو می‌کند و بر این باور استوار است که درجه قرب انبیا و اولیای الهی نسبت مستقیم با میزان ابتلائاتی دارد که در روز ازل آگاهانه به جان خریدند و در سیر نزولی خود به عالم ناسوت و درمقام امتحان الهی، با سرافرازی از عهده این آزمون دشوار بر آمده‌اند»؛ (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۷۱) اما در گذر تاریخی تحت تأثیر برخی صوفی‌زدگی‌ها، نگرش‌هایی ناروا به این مکتب انسان‌ساز در شعر عاشورایی شده است. از جمله «بر اثر القای برخی تفکرات در این دوره، گاهی واقعه کربلا، یک معارضه طایفه‌ای خوانده شده است که میان دو حاکم اسلامی که در دو نقطه متفاوت امارت داشته‌اند؛ روی داد و حتی یک سخن در میان اهل نظر مطرح بوده است که لعن بر یزید رواست یا ناروا؟». (صفا، ج ۴، ۱۳۶۹: ۵۷) «البته این اندیشه تا حدودی از آموزه‌های صوفی‌گری و مشایخ‌طریقت نیز می‌باشد که نظر به رحمت واسعه داشته‌اند و کسی را از رحمت حق دور نمی‌دیده‌اند که شایسته لعنت باشد». (کافی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

نیر تبریزی یک روحانی تربیت شده فقه جعفری می باشد و عمّان سامانی نیز تربیت شده این مکتب عاشورایی. لذا در عین حال که عارف واصل هستند؛ به هیچ وجه این نگرش را به مسبب این حادثه دردناک ندارند و از این خیال واهی مبراً هستند و به هیچ وجه در مورد عاملان این فاجعه دردناک چنین فکر نمی کنند.

در عصر قاجار جریان مقتل نویسی و واقعه نگاری که از روز عاشورا آغاز شده خیلی رواج می یابد و در این شیوه، بیشتر از مقتل واعظ کاشفی؛ یعنی، روضه الشهداء پیروی می شده است که شهید مطهری به شدت این کتاب را مورد نقد و نفی قرار داده و حجه الاسلام جواد محدّثی بر این باور است که: «این کتاب در تحلیل حادثه عاشورا دیدگاهی صوفیانه دارد و حوادث را بیشتر به منشأ غیبی (مسئله آزمایش و ابتلاء) نسبت می دهد، تا بعد حماسی و اجتماعی و قابل اسوه گیری در مبارزات ضد ظلم نمی باشد.» (محدّثی، ۱۳۸۳: ۱۹۰) ولی باز این نگرش، در دو مثنوی مورد مطالعه ما مشاهده نمی شود.

آخرین نکته، این که به طور خلاصه می توان دلایل زیر را به عنوان علل ایجاد منظومه های عرفانی و عاشورایی در عصر قاجار و به تبع آن روی کرد دو شاعر مورد نظر به شعر عرفانی عاشورایی بر شمرد:

۱. شکل تکامل یافته جریان عرفان اسلامی در شعر عاشورایی فارسی که از سنایی غزنوی آغاز شد.

۲. اوضاع نا بسامان ایران که از حمله مغول آغاز شد؛ بستر را برای روی کرد به شعر عرفانی عاشورایی فراهم کرد.

۳. خستگی از مضمون های خیالی دور از ذهن سبک هندی و تقلید و تکرار نهضت بازگشت ادبی، باعث ابتکار نوینی در سرودن منظومه های عاشورایی ویژه و مستقل شد.

۴. ماهیت حادثه عاشورا که یک مکتب آزادی بخش در همه ازمنه و امکانه می باشد؛ نیازمند بیان عرفانی در این عصر بود.

۵. استبداد قاجاریه عامل شعر پرخاشگر، از نوع اشعار قائم مقام فراهانی شد و شیوه هزل و هجوهای جندقی را رقم زده و در نهایت با زبان عرفانی پیام های عاشورائی برای بیداری اسلامی سروده شد و شعر معترض وارد عرصه اجتماع شد.

۶. رواج شعر دینی در بین روحانیون و علما از عوامل تشویق، در سرودن منظومه‌های عرفانی عاشورایی بوده است.

### ۳. نیر و نگرش عرفانی اش

میرزا محمدتقی حجه الاسلام متخلص به «نیر» روز پنج شنبه دوازدهم جمادی الاول سال ۱۲۴۸ هـ. ق / ۴ آبان ۱۲۱۱ شمسی در تبریز به دنیا آمده است. وی فرزند دوم ملا محمد مامقانی، فقیه و فیلسوف نامدار و رئیس علمای شیخی بود. وی در بیست و دو سالگی برای تحصیل به نجف رفت و پس از استفاده از استادان وقت، به درجه اجتهاد نایل آمده و به تبریز برگشت. در بزرگی مقام علمی او همین بس که عارف نامی سید علی قاضی تبریزی از جمله شاگردان وی بوده است. در فنون شعر و ادب نیز شهره این فن به شمار می‌رفت. به سه زبان فارسی، عربی و ترکی شعر می‌گفت. وی در ۱۲ رمضان ۱۳۱۲ هـ. ق به رحمت ایزدی پیوست. آثار وی عبارتند از:

دیوان اشعار شامل سه بخش: الف) مثنوی آتشکده: دارای ۲۰۸۶ بیت با ۴۱ عنوان مجزا تدوین شده و وزنش به بحر رمل مسدس محذوف معادل فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن است و در قالب مثنوی در سال ۱۳۰۹ سروده شده است؛ ب) لالی منظومه (ج) دیوان غزلیات (د) مثنوی دُر خوشاب، الفیه و ...

نیر تبریزی هنرمندی عاشق است که از منظر زیبایی شناسی به کمک شعر، تبلور عشق الهی در کربلا را به تصویر کشیده است؛ مناظره عاشقانه امام حسین(ع) با روح الامین در مثنوی آتشکده، یکی از زیباترین صحنه های عشقی است که نیر هم چون نگارگری چیره دست در قالب شعر آن را به تصویر کشیده است:

داد پاسخ شاه با روح الامین:	کای امین وحی رب العالمین
بسته ایم عهدی من و شاه وجود	من همانم عهد آن عهدی که بود
عاشق جانانه را با جان چه کار	درد کز یارست با درمان چه کار
جبرئلا! این که بینی نی منم	اوست یک سر من همین پیراهنم...

(نیر، ۱۳۸۷: ۹۷ بیت ۲۰ - ۲۳)

نیر در منظومه‌اش وقایع را از زبان سوّم شخص بیان می‌کند؛ یعنی، ناقل مقتلی می‌باشد که آن را از تاریخ تشیع گرفته است؛ اما گاهی شاعر به جای شخصیت های داستان



سخن می‌گوید. گویی عنان سخن از کفش خارج شده و خود در آتش عشق این آتشکده شعله‌ور می‌گردد و از زبان اوّل شخص سخن می‌گوید.

موضوع در خور توجه دیگر، به کار بردن کلمات و ترکیب‌هایی از قبیل: شه، شه زاده، شاه، ظل الله، شاه شهید، شاه عشق و... است که همه ناشی از ادب و ارادت جناب نیر نسبت به خاندان عصمت و طهارت است. فقط دو سه بار کلمه حسین(ع) را به تنهایی به کار می‌برد؛ آن هم در نقل قول‌ها. دیگر این که واژه شاه در ادبیات عرفانی «عنوانی است عارفان و درویشان را: شاه نعمت الله ولی، مشتاق علی شاه و...» (معین، ج ۲، ۱۳۷۱: ۲۰۰۳) و در بزم عاشقانه کربلا شیخ اعظم و شاه شاهان حضرت ابی عبدالله (ع) است. البته یاد آور می‌شوم که این مجتهد رند که از مبدعان منظومه‌های عرفانی عاشورایی در عصر قاجار می‌باشد؛ گرفتار قشری‌گری نشده است. با عنایت به این که منظومه خود را آتشکده نامیده است و «در اصطلاح صوفیه آتشکده دل صوفی است که پیوسته در آتش سودای حق در سوز و گداز است». (نور بخش، ج ۲، ۱۳۷۲: ۱۷۴) اما همان گونه که در غزل ۲۱۴ دیوان اشعارش، «خود می‌گوید: من فقیه خشک و صوفی تر نیستم و به حکمت یونانی نیز اعتقاد ندارم؛ پیر طریقت من شاه اولیا؛ یعنی، امیرمؤمنان علی(ع) است و با مهر او از قشری و صوفی و فلسفی بری هستم». (ثروتیان، ۱۳۸۷: ۱۳)

آن چه مثنوی آتشکده از تمامی اشعار و منظومه‌های عاشورایی قبل از خودش مجزا و برتر نموده است؛ نگرش عرفانی و عاشقانه نیر به واقعه عاشورا می‌باشد. «آتشکده نیر تبریزی بیشتر لحن عاشقانه دارد»؛ (کافی، ۱۳۸۷: ۳۵۸) اما نه به این معنا که جوانب دیگر در آن مغفول بوده باشد. به عنوان نمونه اگر به مناظره‌ها در منظومه آتشکده دقت شود؛ متوجه خواهیم شد که گاه عاشقانه، گاه عارفانه و گاهی عالمانه و عقلانی هستند. به عنوان نمونه در قسمت چهارم، ابتدا مناظره نفس با عقل را که یک مناظره عارفانه است؛ این چنین می‌سراید:

عقل گفتش: رو که عار از نار به	جور یار از صحبت اغیار به
نفس گفتش: مگذر از دنیا و مال	عقل گفتش: هان بیندیش از مال

(نیر، ۱۳۸۷: ۵۸ بیت ۱۱ - ۱۲)

در ادامه عشق می آید و سکان دار می شود:

زین کشاکش های نفس و عقل پیر      نفس شد مغلوب، عقل پیر چیر  
عشق آمد بر سرش با صد شتاب      باره پیش آورد بگرفتش رکاب

(همان: بیت ۱۵-۱۶)

پس از آن دو باره شاعر با زبان استدلال سخن می گوید:

این امامی را که محبوب حق است      قره العین نبی مطلق است  
دعوتش کردید و رو بر تافتید      بی سبب بر کشتنش بشتافتید

(همان: ۵۶ - ۵۷)

از این دست عشق بازی های عارفانه مکرر در آتشکده نیر تبریزی به چشم می خورد. نمونه دیگر، توصیف شهادت حضرت علی اکبر(ع) است. سراینده آن گونه زیبا و شیرین این شهادت درد ناک را می سراید که گویی سوگنامه به بزم نامه تبدیل شده است:

مرغ جان از حبس تن دلگیر شد      وعده دیدار جانان دیر شد  
چون نهادت بخت بر سر تاج عشق      هان بران رفر ف سوی معراج عشق  
عشق شمشیری که بر سر می زند      حلقه وصل است بر در می زند  
عید قربان است و این کوه منا      ای ذبیح عشق! در خون کن شنا

(همان: بیت ۷۶ تا ۹۹ تا ۱۰۱)

طرب و نشاط در این سماع عاشقانه این گونه آمده:

شاد زی شاد ای زمین کربلا      این من و این تیر باران بلا

(همان: ۵۳ بیت ۱۶)

نیر از زبان حضرت علی اکبر(ع) به واسطه فیض بودن امام حسین(ع) اشاره می کند؛ این مبحث در مباحث عرفانی فراوان یاد شده است و عارفان با رویکردهای گوناگون به شرح و بسط آن پرداخته اند؛ گروهی از عارفان معتقدند که مجاری امور از طریق امامان معصوم(ع) است و آنان با اذن الهی در خلقت واسطه اند:

کای زمان امر من در دست تو      هستی عالم طفیل هست تو  
رخصتم ده تا وداع جان کنم      جان در این قربانکده قربان کنم...  
بی تو ما را زندگی بی حاصل است      که حیات کشور تن با دل است

تو همی‌مان که دل عالم تویی      مایه عیش بنی آدم تویی

(همان: ۵۴ بیت ۲۰-۲۴)

نکته دیگر این که «آتشکده نیّر، در حقیقت مقتل منظوم عاشوراست که با لحنی حماسی و فخیم پرداخته شده است. لحظاتی این مقتل، زاویه و نگرشی کاملاً عرفانی پیدا می‌کند.» (کافی، ۱۳۸۸: ۳۰۹)

نیّر در معرفی تمامی شخصیت‌های منظومه‌اش با نگاهی عرفانی به توصیف حالات مختلف آن‌ها می‌پردازد؛ مثلاً آب نخوردن حضرت عباس(ع) را این چنین توصیف می‌کند:

عاشقان کز جام محنت سر خوش‌اند      آب کی نوشند؟ مرغ آتش‌اند  
دور دار ای آب دامن از کفم      تا نسوزد ماهیانت از تغم

(نیّر، ۱۳۸۷: ۶۵ بیت ۲۴-۲۵)

یا جدا شدن دست‌های حضرت را نیز به این صورت ترسیم می‌کند:

ساقی ار یار است می این می که هست      دست چه بود؟ باید از سر شُست دست

(همان: ۶۶ بیت ۳۸)

دست دادم تا شوم هم دست او      پر برافشانیم در بستان هُو  
از ازل مــــن طایر آن گلشنم      دست گو بردار دست از دامنم

(همان: ۶۶ بیت ۴۱-۴۲)

#### ۴. عثمان سامانی و نگرش عرفانی اش

در حالی که ناصرالدین شاه قاجار دوازده سالگی اش را سپری می‌کرد؛ در خجسته شب عیدغدیر، شنبه نوزدهم ذیحجه ۱۲۵۹ هـ ق خاندان میرزا عبدالله متخلص به «ذره» مؤلف «جامع الانساب» صاحب فرزندى شدند که نام او را میرزا نورالله گذاشته و بعدها مشهور به عثمان سامانی و ملقب به تاج الشعرا شد. جدش مرحوم میرزا عبدالوهاب متخلص به «قطره» و عمویش میرزا لطف الله متخلص به «دریا» از شعرای سرشناس عهد ناصری بوده و همگی در ادب و عرفان دستی داشته‌اند. در ۴۷ سالگی به تشویق آغا سلیمان خان و مادر ظلّ السلطان- حاکم اصفهان و فرزند ناصرالدین شاه قاجار- تصمیم به جمع‌آوری اوراق پراکنده منظومه ماندگار گنجینه الاسرار می‌گیرد. در جوانی با دختری از اهالی سامان ازدواج

می‌کند و در سال ۱۲۹۰ هـ.ق صاحب فرزندی به نام عبدالله می‌شود که او نیز صاحب طبعی روان بود.

با توجه به این که طریقت نعمت‌اللهیه در اصفهان آن روزگار پیروان بسیاری به ویژه در میان طلاب علوم داشته در جذب وی مؤثر بوده است تا این که بعد از فوت حاج زین العابدین شیرازی، رحمت علی شاه، بر سر ریاست این فرقه دو دستگی‌ها پیش می‌آید که عمّان با حفظ خوی عارف منشی راه خود را از آن‌ها جدا می‌کند. در شب سه شنبه دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ هـ.ق روح پاک این عارف شیدایی و شاعر عاشورایی از خاک تا افلاک عروج کرد و بنا به وصیت خودش، آرامستان وادی السلام نجف اشرف در محل بین قبر حضرت هود(ع) و حضرت صالح(ع) جسم مطهرش مأوا گرفت.

آثارش عبارتند از: گنجینه الاسرار: منظومه ای در قالب مثنوی مشتمل بر ۸۳۰ بیت است که مهم‌ترین اثر وی می‌باشد و در مرثیه امام حسین(ع) و بیان وقایع کربلا به زبان رمز و بر مشرب عرفان است. این مثنوی شریف بر وزن (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) و در بحر رمل به تقلید از مثنوی مولوی و به شیوه زبده الاسرار صفی علی شاه اصفهانی سروده شده و یک دیباچه مختصر با نثر مسجع آمیخته به نظم در توحید باری تعالی، نعت پیامبر(ص) و ائمه اطهار به رسم تحمیدیه های ادب پارسی به رشته تحریر در آمده و شاعر علت نظم کتاب را بیان نموده است. دیگر آثارش، مخزن الدرر، دیوان و معراج نامه هستند.

نقل این همه مضامین عرفانی و تبیین مراحل سیر و سلوک همه حکایت از تسلط عمّان بر مباحث عرفانی نظری دارد که ذهن خلاق و ذوق سرشار شعری او با تلفیق این مباحث و وقایع عاشورا شاهکار گنجینه الاسرار را خلق نموده است. یکی از این مضامین عرفانی که تا آخر مثنوی عمّان مکرر از آن نام برده می‌شود؛ نظریه وحدت وجود است که از محوری-ترین مفاهیم در عرفان اسلامی است. تبلور این نظریه در یگانگی جان علی اکبر(ع) و امام حسین(ع) و یگانگی جان حضرت زینب(س) و امام حسین(ع)، یگانگی جان امام سجاد(ع) و امام حسین(ع) و... قابل مشاهده است. برای نمونه در ابیات زیر عمان سامانی خود را بنده حسین(ع) شمرده و در مقام وحدت وجودی، حضرت حق را با حسین(ع) یک پیکر می‌کند و هر دو را در یک کل واحد متصور می‌شود و چون علاقه جنون باری به امام دارد، آن دو را به نام حسین(ع) و خویش را بنده مطلق وی می‌شمارد:

...تا نپنداری ز دین آگه نیم      با خبر از هر در و هر ره نیم

هست از هر مذهبی آگاهییم      الله الله من حسین اللهم  
بنده کس نیستم تا زنده‌ام      او خدای من، من او را بنده‌ام  
نی شناسای نبی‌ام نی ولی      من حسینی می‌شناسم، بن علی...

(عمان سامانی، ۱۳۶۷: ۵۷)

مطلب دیگری که در نگاه عرفانی عمان سامانی قابل بیان است تقابل عقل و عشق در مثنوی گنجینه الاسرار می‌باشد که همچون روال مرسوم و پذیرفته شده در متون عرفانی، عقل تاب مقابله با عشق را ندارد و پایش در مواجهه با آن می‌لغزد. چیرگی عشق عاشق را به جنون و دیوانگی رسانده و در نهایت به شبستان وصال می‌زساند که عاقلان و نامحرمان را توان درک آن نیست:

سنگ بردارید ای فرزندانگان      ای هجوم آورنده بر دیوانگان  
از چه بر دیوانه‌تان، آهنگ نیست      او مهیا شد، شما را سنگ نیست؟  
عقل را با عشق، تاب جنگ کو؟      اندرین جا سنگ باید سنگ کو؟

(همان: ۴۰)

عمان در یک نگرش عرفانی معتقد است که امام(ع) از تمام تعلقات دنیا گذشته بود و هیچ سد راهی در مسیر الا الله نداشت مگر علی اکبر(ع) که تجلی حضرت پروردگار بوده است لذا تصمیم می‌گیرد از او نیز بگذرد و با فنا شدن در حق به بقای مطلق دست یابد:

از تعلق پرده‌ای دیگر نماند      سد راهی جز علی اکبر نماند...  
راست بهر فتنه قامت کرده‌ای      وه کزین قامت قیامت کرده‌ای  
نرگست با لاله در طنازی است      سنبلت با ارغوان در بازی است  
از رخت مست غرورم می‌کنی      از مراد خویش دورم می‌کنی  
گه دلم پیش تو گاهی پیش اوست      رو که در یک دل نمی‌گنجد دو دوست...  
از فنا مقصود ما عین بقاست      میل آن رخسار و شوق آن لقااست

(همان: ۵۵-۵۷)

نکته قابل توجه دیگر این که «زبانی که عمان در نظم این اثر به کار گرفته؛ همان زبانی است که عطار در منطق الطیر، مولوی در مثنوی معنوی، شیخ محمود شبستری در گلشن راز و سنایی در حدیقه الحقیقه به کار گرفته اند». (جهانگیری، ۱۳۷۶: ۵۰) و به تعبیر

زیبای فضائی؛ «همه اشعارش در مذاق اهل ادب و ذوق شیرین و لالی آبدارش در نظر صافی مذاقان، دلنشین است؛ به حدی که در شهر بند سخن آرای، آئینه دار و در میدان طبع آزمایی، یگه سوار است و کسی از شعرا بر این روش که خاصّ اوست؛ سخن نرانده». (فضایلی، مقدمه گنجینه، ۱۳۸۶: ۶) بی گمان در این منظومه، شاعر با دست مایه قراردادن واقعه عاشورا و با استفاده از تمثیل، مضامین عرفانی و رموز سیر و سلوک را هنرمندانه و بدیع در قالب مثنوی ریخته و در واقع با تلفیقی از تاریخ، حماسه، مقتل، عرفان و ذوق ادبی به شرح وقایع عاشورا پرداخته است که در واقع از هم قران خود پیشی گرفته است.

### ۵. واژه های عرفانی مشترک دو منظومه

مجموع واژه هایی که هم نیر تبریزی و هم عمّان سامانی در منظومه های خود به کار برده اند؛ به شرح زیر می باشند:

اسرار، آئینه/مرآت، آفتاب، امتحان، آزمایش، ممتحن، آتش، اشارت، ایمان، انبساط، منبسط، آب، آشنا، اول، آخر، اهل دل، اهل ارادت /مودت، (صفا) ، اهل راز /معنی، باده، بیابان، بی خودی ترک خودی، برق، بلا، مبتلا، بلیات، بالا، بحر، بازار عشق، بازاری، بیگانه، بیگانگی، باقی/بقا، بازار، بزم، بهشت، بندگی، بساط، پروانه، پرده، پیر، تسلیم، تشنه، (تشنگان)، توحید، تجلی، جمال، جلوه، جهل، جام، (جامی)، جرعه، جوان، جان، جلال، جنت، (خلد)، جذب، جبرئیل، (جبرئیل)، چوگان، چهره (چهر)، چشم (دید)، چشمه (سرچشمه)، حقیقت، حیرت(حیران)، حال (حالت)، حلقه(سرحلقه)، حرص، حسرت، حجاب، حضرت، حکیم(حکمت)، خمار، خموشی، خیمه، خلوت(خلوتی)، خضر، خانه، خاص الخاص، دل (قلب)، درد، دریا، دلبران، دست، دامن (دامان)، دلیل، دم (دمی)، دوست (دوستی)، دانا(دانایان)، دُر، دولت، ذکر، ذات، ذوق، روح، رنگ، رضا، روز، راز، رحمانی (رحمت)، رخ، رخش، رمز، روح الامین، روی، زلف، ساقی، ساغر، سخن، سوزد، سر، سدره، سنگ، سوخته(سوزنده)، سلیمان، سینه، سلطان، سروش، سایه، شام، شمع، شراب ، شب، شور، (شورشی)، شوخ، شوق (اشتیاق)، شاه، شهود، شب اسرا، شیطان، ابلیس/ اهریمن، صید، الصلاه، صاحب، صبر ، صفا ، ( صیقل)، صهبا، صدا، طلب، طریق، طوطی، طوبی، طایر ، (طایر/ طایران/ طایری)، طفل، طور، ظلمت، عشق، عاشق، عقل، عهد ، ( میثاق) ، عیش (عشرت)، عطش، عزم، غیرت، فانی ، ( فنا)، فرق، فراق، فیض، فتنه، قامت، قضا، قطب، قهر،

(قهری)، کافر، ( کفر)، کین، کشف، (کاشف)، گیسو، گرمی، ( گرم)، گرفتار، گوهر، لب، لامکان، لیلی، لطف، لعل، لابلالی، می، مست، مستی، موج، محو، معشوق، مغز، محنت، مهر، مکان، محرمان، ( محرم)، ملامت گوی، محب، (محبوب)، میدان، مژه، معراج، مظاهر، ( مظهر)، مرغ، (مرغان/مرغی)، نور، ناز، نفس، ناموس، نقد، نظر، ( نگاه)، ناله، نوا / آواز، نی، نیاز، ولا، وصال، ( وصل)، وجد، وقت، وجود، وفا، هو، یقین، یار، یوسف.

همان گونه که مشاهده می شود؛ دویست و یک واژه عرفانی مشترک در دو منظومه آشکده و گنجینه الاسرار است که در فرهنگ های لغت عرفانی دارای تعریف مشخص می باشند از هر دو منظومه استخراج شده اند.

#### ۶. مفاهیم عرفانی مشترک دو منظومه

علاوه بر واژه‌ها یک سری مفاهیم و اصطلاحات هم وجود دارد که در هر دو منظومه نیز به کار رفته اند که به این شرح می باشند:

اسیر حق شدن، زنگ زدودن، الست، عهد، انبیا اولیا، آستین خرق کردن، آفاق وانفس، غرب و شرق، اوج و حضيض، اصفیا/ازکیا، اتقیا، اصفی دلان، بساط نشأتین، بساط عشق، بساط کبریایی، تجلی معشوق در عاشق، تجلی ذات بر ذات یا تجلی اول، جام عشق ذوالجلال، جریان و سریان، چشم نرگس، چشم حق بین، حقیقت محمدیه، اعیان ثابته، خودنمایی شاهد، پریشانی عشق، دمار در آمدن از مستی عشق، روحانیت انسان، اصل راز داری، شریعت راه رسیدن به طریقت و... شرح صدر، ظاهر و باطن، فقر ذاتی، قده پیم، قبض و بسط، موج و دریا، مراد و مرید، نفی و اثبات، وحدت وجود، عدم درک عوام از عرفان، مقامات و مراتب سیر و سلوک، مجادله نفس(دل) و عقل یا عقل و عشق(دل)، دست افشانی/ رقص رقصان، عیسی روح الله عیسی، دم مسیحا روح القدس، ولایت در عرفان، تجرید و تفرید، وصل و فصل

بر اساس این فهرست مفاهیم عرفانی که مقداری از حوزه واژه‌ها فراتر می رود؛ به عنوان دیگر عناصر عرفانی مورد ارزیابی قرار گرفته شده است. این مفاهیم در هر دو منظومه مشترک هستند؛ چون استخراج این مفاهیم از ورای بیت‌ها مقداری مشکل و به ذوق افراد بستگی دارد در استخراج مفاهیم عرفانی عمّان سامانی از کتاب شرح عرفانی ابیات گنجینه

الاسرار عمان به کوشش خداوردی کمک گرفته شده؛ اما در خصوص آتشکده نیّر تبریزی به استنباط خود اکتفا شده است.

### ۷. واژه ها و مفاهیم عرفانی خاص آتشکده

علاوه بر عناصر عرفانی مشترک یک سری واژه ها و مفاهیم در آتشکده نیّر تبریزی وجود دارد که مدّ نظر عمان نبوده و خاصّ آتشکده می باشند که به این شرح هستند:

واژه ها: ازل، استغنا، اشراق، تجرّد، خط، دیو، ذبح، (ذبیح)، زندان، زنده، شهر، (شهرستان)، صوفی، طیب، طاووس، (طاوس)، ظلمات، عنقاء، لا، مشکوّه، (مشکوتی)، منزل جان، مستغرق، (غرق)، معتکف، نقطه، وجوه، (وجه)، هفت دریا، هاتف، هجر

مفاهیم: آب حیوان، آب ظلمات، آب خضر، نقطه و خط، کن و یکون

ابتدا باید یاد آور شد که تفکیک این ها علاوه بر این که در افزایش ضریب دقت این پژوهش مؤثر است، به نگاه کلی ما در جلوگیری از خطا در تشخیص این که کدام منظومه عرفانی تر است؛ کمک می کند. در ضمن، در این قسمت مفاهیمی عرفانی از منظومه آتشکده نیز شناسایی شده که اثری از آن ها در گنجینه الاسرار به چشم نمی خورد. که در واقع بیانگر عنایت خاص نیّر و اصرار وی در به کار بردن زبان عرفان در منظومه عاشقانه و عارفانه اش می باشد.

### ۸. واژه ها و مفاهیم عرفانی خاص گنجینه الاسرار

در زیر واژه ها و مفاهیمی از گنجینه الاسرار عمان استخراج شده که مدّ نظر نیّر نبوده است:

واژه ها: اتحاد، (متحد)، اهل نیاز، آب کار، آفت، ابرو، اهل یقین، اولیاء، اولیای حق، اسم، اهل حقیقت، باده خواران، بدنامی، بت، پاک بینان، پیر می خوران، پیشوا، تلبیس، تقوا، تعلق، تعین، جنون، جوع، جان افزا، (جان افروز)، چار تکبیر، حق پرست، حق الیقین، حلولی، حریف، خم، خاطر، خرق، دُرد، دردآشام، دیوانه، (دیوانگان)، رند، راحت (راحتی)، رقص، سماع، (پای کوبان)، سؤال، سرّحق، سحر، (سحرگاهی)، سلوک، شاهد، شیدا، شادی، شقاوت، صافی دلان، صبح ازل، صفوت، صفت، (صفات)، صدر، صبا، صلاح، صدق، طائف (طواف)، طالبان، (طالب)، عارف، (عارفان)، عاریه، عاقل، عین، غارتگر، (غارت)، غمزه،



بررسی و مقایسه‌ی عناصر عرفانی دو منظومه‌ی عاشورایی (۱۱۸-۹۹) ۱۱۵

غم، غایب، غنی، غافل، فساد، ( فاسد)، قدح، قدسی دهن، قمار، قصد، کاهلی، کسالت، گدا، لوح، لقاء، مخموران، مشتاقان، ( مشتاق)، مرآت حق، مراد، منافق، میخانه، مرید، مبدائیت، مدعی، مشیمه، مطرب، منزل، (سرمنزل)، نشاء، نما، واقف، (واقفان)، ولی، هباء، همت، هوی مفاهیم: جور کش، خطّ جور نقش جام، جام جمشید، گله از نفس.

این عناصر نیز واژه‌ها و مفاهیمی هستند که فقط عمّان به کار برده و در منظومه نیر خبری از آن‌ها نیست.

### ۹. جدول فراوانی عناصر عرفانی دو منظومه

۹-۱- جدول تعداد عناصر عرفانی به کار گرفته شده در دو منظومه:

عنوان‌ها	فراوانی واژه‌ها عرفانی						فراوانی مفاهیم عرفانی					
	مشترک		خاص		جمع کل		مشترک		خاص		جمع کل	
	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده
تعداد مورد‌ها	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱	۰۱
	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶
	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶
درصدها	آتشکده دارای ٪ ۴۳/۴۰ مورد واژگان عرفانی است		گنجینه دارای ٪ ۵۶/۵۹ مورد واژگان عرفانی است		آتشکده دارای ٪ ۵۷/۴۰ مورد مفاهیم عرفانی است		گنجینه دارای ٪ ۴۲/۵۹ مورد مفاهیم عرفانی است					

در این قسمت تعداد موارد عناصر عرفانی اعم از واژه ها و مفهوم ها در هر دو منظومه به تفکیک آورده شده است و جمع کل مبنای صد درصدی قرار گرفته شده؛ بعد درصد های هر کدام از منظومه ها به تفکیک استخراج شده اند.

۹-۲- جدول تعداد کاربرد های عناصر عرفانی استفاده شده در دو منظومه:

عنوان ها	فراوانی واژه ها عرفانی						فراوانی مفاهیم عرفانی												
	مشترک		خاص		جمع کل		مشترک		خاص		جمع کل								
	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده	گنجینه	آتشکده							
تعداد کاربردها	۱	۷	۲	۴۸	۱	۱	۳۵۶	۵۷۱	۲۹۲۷	۱	۹	۲	۵	۱۰	۲۹	۳۱	۹	۷۷۳	مورد کاربرد
	۴۹۴	۱۰۸	۷	۴۸	۱	۱	۳۵۶	۵۷۱	۲۹۲۷	۱	۹	۲	۵	۱۰	۲۹	۳۱	۹	۷۷۳	مورد کاربرد
درصدها	آتشکده دارای کاربرد واژگان عرفانی است		۵۳/۶۷٪		گنجینه دارای کاربرد واژگان عرفانی است		۴۶/۳۲٪		آتشکده دارای کاربرد مفاهیم عرفانی است		۵۸/۷۳٪		گنجینه دارای کاربرد مفاهیم عرفانی است		۴۱/۲۶٪				

۹-۳. تحلیل جدول فراوانی عناصر عرفانی دو منظومه

با توجه به این که هدف کلی از این مقایسه ها و تطبیق این دو منظومه این بوده که بفهمیم کدام یک عرفانی تر هستند؛ یک بار تعداد واژگان و مفاهیم را به تنهایی آورده و بار دیگر تعداد عناصری را که در بیت ها به کار رفته است به تفکیک با تعیین درصد آن ها بیان نموده ایم تا به واقعیت نزدیک تر شویم و همان گونه که مشاهده می کنید بر خلاف تصور بیشتر ادب دوستان فضای آتشکده نثر عارفانه تر است زیرا در مجموع بیش از ۵۰٪ واژه ها و مفاهیم در آن تکرار شده است.

### نتیجه گیری:

با توجه به جدول های ۱-۷ و ۲-۷ (تعیین فراوانی اعم از موارد و کاربرد های عناصر عرفانی در دو منظومه)؛ ابتدا یک موضوع را باید یاد آور شد و آن این که چون هدف کلی از این پژوهش تطبیقی، مقایسه عناصر عرفانی دو منظومه آتشکده و گنجینه الاسرار این بوده که بفهمیم کدام منظومه عرفانی تر است؛ یعنی احساسات و تخیلات عرفانی بیشتری در خوانندگان اثر ایجاد می‌کند. لذا فقط تنوع تعداد موارد عناصر به کار گرفته شده نمی‌تواند؛ معیار نتیجه‌گیری ما باشد. بر اساس این جدول تعداد موارد واژه‌های عرفانی که به کار رفته؛ در منظومه آتشکده ۲۲۶ عنوان یعنی ۴۳/۳۷٪ کل واژه های عرفانی دو منظومه است. در حالی که منظومه گنجینه الاسرار با ۲۹۵ عنوان عرفانی ۵۶/۶۲٪ کل واژگان عرفانی این دو منظومه را کسب نموده است؛ اگر چه در عناوین، مفاهیم عرفانی به کار رفته؛ در دو منظومه، این برتری بر عکس شده است؛ اما از منظر دیگری باید به این مقایسه ها پرداخت تا عرفانی‌تر بودن آثار، بهتر تشخیص داده شود و آن تکرار واژه‌های عرفانی است که تخیلات شعری را در خوانندگان افزایش می‌دهد و ظریب محبوبیت یک اثر را دو چندان می‌کند. در این صورت منظومه آتشکده نیز تبریزی به دلیل به کار بردن ۱۵۷۱ بار کاربرد واژگان عرفانی، از کل دفعات عناصر عرفانی به کار گرفته شده؛ ۵۳/۶۷٪ کاربرد واژگان عرفانی را داشته است. در صورتی که گنجینه الاسرار فقط ۴۶/۳۲٪ واژگان عرفانی را به کار برده است. هم چنین در تکرار مفاهیم به کار گرفته شده آتشکده ۵۸/۷۳٪ از کل مفاهیم عرفانی دو منظومه را به کار برده است. در حالی که ۴۱/۲۶٪ مفاهیم را در منظومه اش تکرار نموده است.

اکنون از این نتیجه گیری ممکن است؛ چند نکته مبهم، به ذهن خطور کند. اول این که آیا تکرار ملال آور نیست؟ دوم این که تعداد ابیات دو منظومه یکسان نمی‌باشند. آیا این به منزله انحراف در آمارها نیست؟

در پاسخ باید گفت که حجه الاسلام نیز از نظر مضمون، وقایع کربلا را چهار بار به طور مجمل و به مناسبت های مختلف در منظومه اش تکرار می‌کند؛ اما با ترکیبات نوین و از

منظر جدید چنان هنرمندانه حوادث کربلا را مرور می کند که هیجان در ادامه گزارش برای هر خواننده‌ای محسوس است. تکرار از زبان بشیر، تکرار از زبان امّ کلثوم و ... در پاسخ به سؤال دوم متذکر شده که افزایش ابیات نیز سبب شده است تا گزارشگری نیز مفصل تر از عمّان شود؛ یعنی، واقعه نگاری نیز به مراتب خیلی بیش تر است؛ در نتیجه افزایش ابیات، ناشی از طولانی تر شدن موضوع و به تبع کاربرد های بیش تر عناصر عرفانی است.

خلاصه این که :

الف) علی رغم این که تعداد بیت های منظومه نیز یک و نیم برابر بیش تر از بیت های منظومه عمّان سامانی است؛ عمان تعداد موارد واژه های عرفانی متنوع و فراوان تری را در اثرش به کار برده است؛ اما تعداد مفاهیم عرفانی نیز بیشتر از عمّان می باشد.  
ب) کاربرد عناصر عرفانی اعم از واژه ها و مفاهیم بیش ترین سهم را در آتشکده نیز تبریزی دارند.

ج) نیز در آتشکده و عمّان در گنجینه الاسرار عناصر مشترک عرفانی به کار برده اند.  
د) یک سری عناصر عرفانی هم در واژگان، هم در مفاهیم را که عمّان به کار برده، نیز استفاده نکرده است.

ه) یک سری عناصر عرفانی را نیز به کار برده؛ اما عمّان استفاده نکرده است.

### کتاب‌نامه

- انصاری، نرگس. ۱۳۸۹. عاشورا در آئینه شعر معاصر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- جهانگیری، بهروز. ۱۳۷۶. شرح احوال و آثار عمّان سامانی و تحلیل گنجینه الاسرار. محمّدرضاسنگری و حسینی کازرونی: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد دزفول.
- حداد، حسین. ۱۳۸۱. مجموعه مقالات هنر دینی. تهران: نیستان.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۶. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: ققنوس.
- ضیایی، سید عبدالحمید. ۱۳۸۹. "بررسی تطبیقی سه شاهکار عاشورایی". مجله علوم انسانی. شماره ۳۲.
- عمان سامانی، میرزا نورالله. ۱۳۸۶. گنجینه الاسرار و غزلیات وحدت کرمانشاهی. تهران: اسوه.
- فقیهی، علی اصغر. ۱۳۶۵. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه. تهران: انتشارات صبا.
- کافی، غلامرضا. ۱۳۸۸. شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مجاهدی، محمّدعلی. ۱۳۷۹. شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی. قم: پیک جلال.
- محدثی، جواد. ۱۳۸۳. "شعر شیعی". خردنامه همشهری. شماره ۳۶.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۴. حماسه حسینی. تهران: صدرا.
- معین، محمّد. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- نور بخش، جواد. ۱۳۷۲. فرهنگ نور بخش اصطلاحات تصوّف. تهران: مؤلف.
- نیرتبریزی، میرزاحمّدتقی. ۱۳۸۷. دیوان (گزارش عاشقانه وقایع کربلا). تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- یاحقی، محمّدجعفر؛ فرزاد، عبدالحسین. ۱۳۸۶. تاریخ ادبیات ایران و جهان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.